

نگاهی حقوقی به تمایز «عوارض عبور» و «هزینه خدمات» در تنگه هرمز

# حقوق بین‌الملل هم سد راه امریکا در تنگه هرمز است

عبور کشتی‌ها در هیچ‌کدام از گلوگاه‌های حیاتی جهان، به معنای رایگان بودن مطلق نیست و حداقل ۳ نمونه بارز در این خصوص وجود دارد



هیچ قدرت جهانی، از جمله ایالات متحده، هرگز ادعا نکرده که پرداخت این مبالغ نقض حقوق بین‌الملل یا آزادی کشتیرانی است. در واقع، مدیریت یک مسیر آبی عظیم، هزینه‌های هنگفتی برای لایروبی کردن، نگهداری دیواره‌ها و تأمین امنیت دارد. از منظر حقوقی، این هزینه‌ها به‌عنوان «هزینه عملیاتی» شناخته شده و در یافت آنها از بهره‌برداران مسیر، یک رویه مشخص در حقوق بین‌الملل است.

۲. **تنگه بوسفر و داردانل و رژیم تعرفه‌ای ترکیه:**

در مورد تنگه‌های بوسفر و دار دائل، «کنوانسیون مونترلو» (۱۹۳۶) رژیم عبور را تعیین کرده است. اگرچه این کنوانسیون شرایط خاصی را برای عبور کشتی‌های جنگی و تجاری پیش‌بینی کرده، اما دولت ترکیه برای خدماتی نظیر «لایت‌ها، بهداشت، راهنمایی و نظارت بر ترافیک، مبالغ مشخصی را دریافت می‌کند. در اینجا ما با یک الگوی حقوقی مهم مواجه هستیم؛ دولت ساحلی اجازه ندارد «عبور» را متوقف کند، اما کاملاً مجاز است برای «تسهیل عبور» و «ایمنی ناوبری» و هزینه دریافت کند. این تکنیک میان «حق عبور» و

«هزینه خدمات»، در بوسفر نیز به رسمیت شناخته شده و هیچ کشوری آن را به‌عنوان نقض آزادی کشتیرانی تعبیر نمی‌کند.

۳. **کانال پاناما و مدل تجاری – حاکمیتی:** کانال پاناما یکی از بارزترین نمونه‌های مدیریت تجاری یک گلوگاه است. در این مسیر، تعرفه‌های دقیقی براساس تناژ و نوع کشتی اعمال می‌شود، حتی پس از انتقال مدیریت کانال از امریکا به پاناما.

## ۶۶

**رژیم امریکا در واقع سعی دارد بهترین بخش‌های کنوانسیون را (آنچه به نفع نظامی‌گرایش است) به عنوان حقوق عرفی معرفی کند و بخش‌های مربوط به حقوق حاکمیت ساحلی را نادیده بگیرد.**
**این رویکرد، در اصطلاح حقوقی «انتخاب گزینشی» نام دارد**

عرفی معرفی کند و بخش‌های مربوط به حقوق حاکمیت ساحلی را نادیده بگیرد. این رویکرد، در اصطلاح حقوقی «انتخاب گزینشی» نام دارد و در هیچ دادگاه بین‌المللی (از جمله دیوان دائمی دادگاه بین‌المللی – ICJ) به‌عنوان یک استدلال معتبر پذیرفته نیست. امریکا نمی‌تواند در حالی که خود به قوانین متعدّد نشده، برای دیگران حکم صادر کند!

**حاکمیت ملی و حق استیفای هزینه‌ها در تنگه هرمز**

تنگه هرمز به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و امنیتی، نیازمند نظارت دقیق و هزینه‌های عملیاتی بالاست. دولت‌های ساحلی در این منطقه، مسئولیت حفظ امنیت محیط زیست در برابر انتقالات نفتی و مدیریت ترافیک کشتی‌ها را برعهده دارند. حق دریافت تعرفه برای خدمات ارائه شده، در واقع ابزاری برای بازگرداندن هزینه‌های عملیاتی است. وقتی یک کشور خدمات ایمنی و ناوبری ارائه می‌دهد، این خدمات جزو «موال عمومی» نیستند، بلکه «خدمات تخصصی» هستند که براساس قراردادهای بین‌المللی و قوانین داخلی دولت‌های ساحلی، مشمول پرداخت می‌شوند. استقرار سیستم‌های نظارتی، امداد و نجات و حفاظت از محیط زیست در تنگه، هزینه‌هایی دارد که برعهده متقاضیان استفاده از این خدمات است، نه دولت ساحلی.

■ **پایان توهم نظارت جهانی رژیم امریکا**
اعای رژیم امریکا مبنی بر عدم مجاز بودن تعرفه‌های احتمالی در تنگه هرمز، دو ایراد اساسی دارد: اول اینکه با رویه پذیرفته شده در تمامی کانال‌ها و تنگه‌های جهان (سوتز، بوسفر و پاناما) در تضاد است و این تضاد نشان‌دهنده «استانداردهای دوگانه» و آشنگشتن است. دوم اینکه امریکا به دلیل عدم عضویت در UNCLOS، هرگونه صلاحیت حقوقی برای تعیین تکلیف در این زمینه را ندارد. تنگه هرمز، بخشی از حاکمیت و امنیت ملی کشورهای منطقه است. هرگونه اقدام در راستای مدیریت اقتصادی و حقوقی این مسیر، در چارچوب حق حاکمیت شناخته می‌شود. امریکا باید بپذیرد که هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند تعیین کند که یک دولت ساحلی چگونه خدمات خود را مدیریت یا قیمت‌گذاری کند. حقوق بین‌الملل، ابزاری برای تعصیف حاکمیت‌ها نیست. این حقوق سدی در برابر ادعاهای استعماری است و نبرد حقوقی در تنگه هرمز، نبردی برای تثبیت حاکمیت ملی در برابر توهمات هژموتیک است.



شکی نیست که مداخلات بین‌المللی به دلایل گوناگون قابل اجتناب نخواهد بود، اما وجود سازمانی با کارکرد واکتش سریع می‌تواند چون کنترل حریق، تحت نظارت کامل سازمان ملل بلافاصله در منطقه مورد نظر حضور یابد و با ایجاد منطقه‌ای حائل از گسترش جنگ جلوگیری کند.

حتی مقوله پیگیری و مجازات مسببان را به‌انجام به خطر انداختن صلح جهانی، فراتر از وظایف دیوان دادگستری بین‌المللی مورد توجه قرار دهد. گرچه ترس آنجاست که همین ابزار فرضی نیز بهانه‌ای برای آزار دیگر کشورها باشد و با یک پام و دوهوایی چون حق وتو، صلح جهانی بازپچه سیاست قرار گیرد و چون توبی میان پنج قدرت عضو دائمی شورای امنیت، پاسکاری کاسب کارانه شود. آری، جامعه جهانی تحولی را می‌طلبد. در جامعه غزه دهپا قطعنامه به رأی گذاشته می‌شود که متأسفانه هر یک به بهانه‌ای وتو می‌گردند. به راستی آیا این ساختار محدودیتی نمی‌طلبد؟

بی‌شک بازنگری و اصلاح قواعد حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی که از تولد آن دهها سال گذشته است، نیاز امروز جامعه بشری خواهد بود.

اجماع دولت‌ها می‌تواند بشسر را به مدینه فاضله نظام بشری نزدیک تر سازد؛ گرچه تصور این گفتار، رویایی نبوده‌نمی‌شود، اما با تأمل در دکتربین حقوقی، شاید روابطی را برای فرادا در سطح بین‌المللی سامان دهد. باید صلح به اجماع جهانی واگذار شود و در مورد هر مانی، از سوی اکثریت جهانی فارغ از منافع خاص کشورها تصمیم‌گیری شود. قطعنامه اجزاهه می‌دهد که موضوع در مجمع عمومی مطرح شود و در صورت تصمیم جهانی حتی برخوردهای نظامی هم در آن دیده شده، اما تا به امروز حضوری قدرتمند را به خود اختصاص نداده است!

و ماده ۹۹ منشور سازمان ملل که به دبیرکل سازمان ملل مأموریت می‌دهد هرگاه صلح جهانی را در خطر ببیند، شورای امنیت را به جلسه‌ای فوری فراخواند، اما آنچه می‌بینیم چیز دیگری است!

دبیرکل سازمان ملل در حد صدور یک بیانیه، جایگاه خود را در حفظ صلح کاهش داده است و حتی وقتی ایران مورد تجاوز امریکا و اسرائیل قرار می‌گیرد، از حضوری کوتاه و دلجویی سر باز می‌زند!

به امید فراگیری صلح و عدالت.

کا تنگه

حمید جان‌نظاری

## مبانی مسئولیت شهرداری در جبران خسارت ناشی از تملک املاک طرح‌های عمومی

تضمین حق مالکیت خصوصی یکی از اصول بنیادین در نظام حقوقی ایران است که در اصل ۴۷ قانون اساسی و ماده ۳۰ قانون مدنی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، توسعه شهری و نیاز به اجرای طرح‌های عمومی و خدماتی، استثنایی بر این اصل وارد کرده است. شهرداری‌ها به‌عنوان متولیان مدیریت شهری، قانوناً مجازند املاک اشخاص را جهت اجرای این طرح‌ها تملک نمایند، اما این اختیار به‌هیچ‌وجه سالب مسئولیت آنها در جبران کامل خسارات و پرداخت حقوق مالکان نیست. مبنای این مسئولیت، قاعده فقهی «لاضرر» و اصل احترام به مالکیت مشروع اشخاص است.

از منظر قانونی، مهم‌ترین مستند در خصوص نحوه جبران خسارت توسط شهرداری‌ها، «قانون تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها» مصوب سال ۱۳۷۰ و «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت» است. براساس این قوانین مدن، شهرداری مکلف است در صورت نیاز به تملک یک ملک برای اجرای طرح‌های مصوب، بهای آن را براساس «قیمت عادلّه روز» پرداخت نماید. این قیمت‌گذاری در صورت عدم توافق مالک و شهرداری، توسط هیئت کارشناسان رسمی دادگستری و بدون در نظر گرفتن تأثیر اجرای خود طرح بر ارزش ملک، ارزیابی و تعیین می‌گردد.

از دیدگاه کاربردی، مسئولیت شهرداری تنها به پرداخت بهای ملک محدود نمی‌شود، بلکه رعایت تشریفات قانونی پیش از تملک نیز الزامی است. شهرداری باید ابتدا مصوب و اعلان عمومی طرح را اثبات نموده و تأمین اعتبار لازم را انجام داده باشد. چنانچه شهرداری بدون طی این تشریفات، اقدام به تصرف یا تخریب ملک نماید، عمل وی مصداق بارز غصب (موضوع ماده ۳۱۱ قانون مدنی) و اتلاف (ماده ۳۲۸ قانون مدنی) بوده و علاوه بر پرداخت قیمت ملک، ضامن جبران کلیه خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل امل نیز خواهد بود.

در نهایت، مطابق با «قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها»، چنانچه ملکی در طرح مصوب قرار گیرد، اما شهرداری در مهلت‌های مقرر قانونی (پنج سال) نسبت به اجرای طرح اقدام نکند، مالک از کلیه حقوق مالکانه از جمله حق احداث بنا، فروش و اجاره برخوردار خواهد شد. بنابراین مالکان می‌توانند در صورت تملل شهرداری در اجرای طرح یا تصرف غیر قانونی، الزام شهرداری به پرداخت بهای روز ملک و خسارات وارده را از مراجع صالح حقوقی مطالبه نمایند.

■ کارشناس ارشد حقوق خصوصی

نگاه

اسماعیل حسینی ایچی



شرایط عفو و تخفیف مجازات

### چه جرائمی مشمول عفو نمی‌شوند؟

عفو و تخفیف مجازات محکومان یکی از مهم‌ترین نهادهای اراقفی در نظام حقوقی ایران است که با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و موافقت مقام معظم رهبری اعمال می‌شود. این‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان، شرایط بهره‌مندی از عفو و همچنین جرائمی را که از شمول این امتیاز قانونی خارج هستند، مشخص کرده است.

بررسی شرایط عفو محکومان، تخفیف مجازات و تبدیل مجازات زندانیان از موضوعات برجست‌وجوی حقوقی به‌شمار می‌رود. براساس قوانین و مقررات مربوط، همه محکومان امکان استفاده از عفو را ندارند و بر خوردارى از این امتیاز مستلزم احراز شرایط قانونی از جمله میزان تحمل حبس و نوع جرم ارتكابی است. همچنین برخی جرائم مهم مانند جاسوسی، آدم‌ربایی، تجاوز به عفت، سرقت مسلحانه، ارتشا و اختلاس در زمره جرائم غیرقابل عفو قرار گرفته‌اند.

ماده ۱۲۵ بین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ رئیس قوه قضائیه با آخرین اصلاحات و الحاقات شرایط عفو، تخفیف و تبدیل مجازات:

۱- رعایت سیاست‌ها و تدابیر مندرج در این آیین‌نامه
۲- محکومین به اعدام که مجازاتشان با استفاده از عفو به حبس ابد تبدیل شده، در صورت تحمل حداقل ۱۰ سال حبس از تاریخ عفو قبلی
۳- عفو محکومین به حبس ابد پس از تحمل ۱۰ سال حبس
۴- محکومین به حبس ابد که حبس آنان به ۱۵ سال تقلیل یافته، پس از گذشت پنج سال از تاریخ عفو قبلی
۵- محکومین غیر از حبس ابد در صورت تحمل یک‌سوم باقی مانده حبس از تاریخ عفو قبلی
۶- محکومیتی که حبس آنان قبلاً مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات قرار گرفته و به جهت جزای نقدی در زندان به‌سر می‌برند و عاجز از پرداخت می‌باشند، در صورت احراز سایر جهات عفو، مورد عفو قرار می‌گیرند.

مطابق ماده ۲۶ آیین‌نامه مذکور، موارد زیر مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی‌شود:
۱- قاچاقچیان حرفه‌ای
۲- موارد حق‌التاس
۳- سرقت مسلحانه
۴- تجاوز به زناى به عنت
۵- مصادیق مهم جرائمی از قبیل: جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشا و آدم‌ربایی
۶- محکومین به جرائم مستوجب حد شرعی اعدام و رجم

■ **نماینده مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده در مجلس شورای اسلامی**